



اولویت های کمونیسم و طبقه کارگر ایران

مظفر محمدی

در جهان بسیار پیچیده، گیج کننده و ویرانگر امروز، اولین قربانی طبقه کارگر است. این مخاطره برای طبقه کارگر و کمونیسم اش بویژه زمانی مخرب تر است که این طبقه اولویت های خود را گم کرده و نظاره گر حوادث پایان ناپذیر دنیای امروز شود.

در شرایطی که یک انترناسیونال کمونیستی و کارگری وجود ندارد، طبقه کارگر در هر کشور به شدت آسیب پذیر است. چرا که جهان سرمایه داری علاوه بر سازمان ملل و توابعش، با تشکیل ائتلاف های اقتصادی و نظامی مشخص بین دول مختلف نوعی بین الملل دولتی سرمایه داری را ایجاد کرده است. در جهان سرمایه داری امروز بریکس بعنوان پیمان اقتصادی چین و روسیه و هند و برزیل... و پیمان های نظامی نانوشته بین روسیه، چین و کره شمالی در مقابل پیمان های کشورهای غربی مثل ناتو و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی... ظهور کرده و هدف خود را تغییرات در نظام بین الملل تعیین کرده است. ... صفحه ۳

علیه حکم اعدام وریشه مرادی

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

هلند در آتش خشم!

(در حاشیه تحریکات هواداران تیم فوتبال اسرائیل)

مسابقات تیم فوتبال اسرائیل در هلند، برای دولت دست راستی اسرائیل فرصتی شد جهت اعزام صدها نفر اسرائیلی متعصب به عنوان حامیان تیم و انجام تحریکات و تشنجات نژاد پرستانه، تعرضات فیزیکی، اقدامات خشن و ضد انسانی علیه مدافعان مردم فلسطین و برای ایجاد جو رعب و وحشت در خیابانهای آمستردام.

حمله و کمپین سازمانیافته نژادپرستانه ای که اساسا، برای کشتادن جنگ علیه مدافعین مردم فلسطین به خیابانهای آمستردام سازمان داده شده بود، توسط جوانان هلندی ضدراسیست، ضدنژادپرستی، و مدافع فلسطینیان، به ضدحمله ای گسترده در خیابانهای این شهر تبدیل شد. ... صفحه ۳

در حمایت از اعتصابات کارگران بنادر کانادا

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست هفتگی ۵۲۷

۱۴ نوامبر ۲۰۲۴ - ۲۴ آبان ۱۴۰۳

انقراض حجاب و زن محجبه در ایران!



در حاشیه پروژه امر به معروف
آزمایش «کلینیک» ترک
بی حجابی

شریا شهابی

بدنبال اقدام اعتراضی، میلیتانت و شجاعانه آهو دریایی، دانشجو علوم تحقیقات، که در مقابل تعرض حراستی های دانشگاه در کنترل پوشش او، که منجر به حرکت آزادانه، قدم زدن های استوار او با لباس زیر در صحن دانشگاه شد، بار دیگر مسئله حجاب و جنبش علیه زن ستیزی و آپارتاید جنسی در ایران، در داخل و خارج از کشور، چون سیلی به حرکت درآمد و حمایت های وسیع مردمی در ایران و در خارج از کشور را بدنبال داشت. آهو دریایی توسط بسیج و نیروهای انتظامی مورد تعرض قرار گرفت و دستگیر و زندانی شد. اما حمایت از او به درجه ای وسیع بود، که زندانبانان او ناچار شدند سراسیمه اعلام کنند که او دستگیر نشده است و به بیمارستان روانی روانه شده است!

گسترش اعتراضات علیه حجاب در خیزش «زن زندگی آزادی» به سطح دیگری و حرکت میلیتانت و شجاعانه آهو دریایی، حاکمیت را با این واقعیت که آن خیزش نه تنها خاموش نشده است که آتش زیر خاکستری است که هر لحظه میتواند با قدرت بیشتری منفجر شود، روبرو کرد.

اعتراض آهو دریایی تکیه بر دستاورهای خیزش «زن زندگی آزادی» و مبارزه هزاران دختر جوانی دارد که دو سال پیش و در جدال خونین شان با حاکمیت، سرانجام حکم «باطل شد» بر تحمیل و اجبار حجاب زدند! موجب جمع شدن بساط گشت ارشاد و عربده کشی های علنی مشتی «آتش به اختیار» برای حمله به زنان و تحمیل عقب نشینی های مهمی به دشمنان آزادی زن شد! ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

هنوز متأسفانه از سرنوشت آهو دریایی اطلاع دقیقی در دست نیست و سلامت جسمی و روانی او پشت درهای بسته زندان ها، موجب نگرانی اکثریت مردم در ایران و در خارج از کشور است. با این وجود، این کیس و نحوه رویارویی های بیشتر با تعرض های بیشتر از جانب جنبش دفاع از حق زن، حاکمیت را برای حفظ نظام، حفظ اسلام این رکن مهم حاکمیت سراسیمه به تکاپو و «چاره جویی» کشانده است. ایده افتتاح «کلینیک» های «ترک بی حجابی» چیزی چون کلینیک های «ترک اعتیاد» و .. که در رسانه ها منتشر شده است، تلاشی برای مقابله با خیزش های رادیکال تر و میلیتانت تر علیه زن ستیزی و حاکمیت اسلام در ایران است.

در ایران برای نخستین بار در تاریخ علم تمدن بشری و حوزه پزشکی، از لابراتوارهای فیضه قم و «دانشمندان» «نجات اسلام» به هر شکل و وسیله ای، کشف جدیدی اعلام شد! درمانگاه «سلامت سازی»، توسط مشتی بیمار روانی برای «حفظ حجاب اسلامی»، برای اولین بار در تاریخ بشر در ایران افتتاح میشود!

این «کشف» به درجه ای پیچیده است که «دانشمندان» این حوزه، به شکل قطره چکانی تأثیرات و کارکرد آن، بر روی «بیماران» را توضیح میدهند! هرچند بین این «دانشمندان» توافقی بر سر اینکه کدام جمعیت «بیمار» موضوع مداوا است، توافق نیست. برخی کسانی را که «حجاب خود را حفظ کرده اند» را جمعیت آسیب پذیر میدانند برخی برعکس آن را! در عین حال، در مورد جوانب اجرایی کار این «کلینیک» ها هم بین دانشمندان و «پزشکان» آن، توافق وجود ندارد.

جزئیات ماجرا از این قرار است که:

مهری طالبی دارستانی، رئیس اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف استان تهران، روز ۲۲ آبان در سخنانی اعلام کرد که «بنابه درخواست مکرر خانواده ها و زنان و دختران تهرانی و به همت اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف کلنیک ترک بی حجابی در تهران با هدف درمان علمی و روان شناختی بی حجابی ویژه نسل نوجوان، جوان و بانوان جویای هویت اجتماعی و اسلامی افتتاح می شود»

این «مسئول اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف و نهی منکر استان تهران» اعلام کرده است که خدمات این کلینیک برای «نسل نوجوان، جوان و بانوان» است که «فشارهای محیطی» باعث شده است که از سر «اجبار» پوششی «خارج از حدود حجاب شرعی» داشته باشند. و از قول او گفته شده است که میخواهند با روش «علمی و روان شناختی... و با ارائه آگاهی و پشتیبانی فکری» به کسانی که «تصمیم به رعایت حجاب گرفته اند» کمک می کنند!

به گفته وی «به افرادی که تصمیم به رعایت حجاب گرفته اند یا از تطبیق با محیط های خاص تحت فشار بوده اند، کمک کند تا بتوانند انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری پوشش سالم خود را آزادانه انتخاب کنند»!

تا اینجا معلوم نیست که چه کسانی باید مداوا شوند! کسانی که حجاب را عملاً ملغی کرده اند و بر آن در سراسر ایران و از جمله در قم، پایتخت ارتجاع اسلامی ضد زن، مهر قباح و زشتی و کراهت و شرم زده اند! یا کسانی که تحت تأثیر دستاوردهای خیزش دوسال قبل، از سرکردن حجاب شرم میکنند و آن را دون شان انسانی خود میدانند و آموخته اند که میتوانند آن را سر نکنند! این دستاورد را قربانیان جنبش شان برای آنها به ارث گذاشته اند و بخش اعظم زنان و دختران و دانش آموزان در سراسر ایران این میراث را عزیز داشته و آن را قویا حفظ میکنند! نمی دانند با این واقعیت چه کنند! با نرخ بالای خودکشی دختران نوجوان در مقابل فشار کادر آموزشی در مدارس برای تحمیل حجاب چه کنند!

معما چیست!

معما این است که این ها میخواهند بگویند که ایران اسلامی است و

حجاب عزیز و زنان زیر فشار «شرم از بی حجابی» بی حجاب شده اند! و باید کاری کرد که با باج و پول و تهدید و شکنجه فیزیکی و روانی ... بلکه «خجالت نکشند» و آن را سر کنند! از بی ارزش کردن شان و حرمت خود، «شرم نکنند»! چرا که حکومت «پشت و پناه» آنها است!

بدنبال زمینه سازی های خانم «پروفسور» مهری ..، محمدرضا میرشمسی، معاون ستاد امر به معروف و نهی از منکر روز پنجشنبه ۲۴ آبان اعلام کرد که قرار است با موافقت قوه قضائیه و به عنوان حکم جایگزین جرمیه، «زنان بی حجاب» به این کلینیک فرستاده شوند. به گفته او، «کلینیک ترک بی حجابی» که دو روز پیش خبر افتتاح آن از سوی یکی از مقامات این ستاد اعلام شد، جایی خواهد بود برای اینکه قضات، زنان بی حجاب را برای مجازات جایگزین جرمیه، بفرستند! از سوی دیگر او تأکید کرده که بهتر است از عنوان «محفل» به جای «کلینیک» برای «مراکز ترک بی حجابی» استفاده شود! به گفته وی به تازگی محافلی برای ارائه آموزش به کسانی که «تمایل دارند بی حجابی را کنار بگذارند»، دایر شده است!

جمهوری اسلامی در منگنه و مضیقہ است چرا که نسل زنان محببه در آن در شرف انقراض است! از این روست که دانشمندان این حوزه، تلاش میکنند که راهی برای جلوگیری از این انقراض بیابند!

اما اظهارات معاون پزشکیان، خانم زهرا بهروز آذر، و «رنجش» های «زنانه» او، از همه شیک تر و «دلگرم کننده» تر است!

رسانه ها نوشتند که: زهرا بهروز آذر، معاون زنان و خانواده دولت معاون مسعود پزشکیان با انتقاد از طرح راه اندازی «کلینیک ترک بی حجابی» با تکذیب نقش و ارتباط دولت با این موضوع، آن را «موجب وهن (سبک و سست نشان دادن) اسلام و امر به معروف و دور از شان زنان» توصیف کرد. و فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت هم در پاسخ به پرسشی درباره اینکه آیا ستاد امر به معروف طرح هایش را با دولت هماهنگ می کند یا خیر، اظهار بی اطلاعی کرد!

مراجع و «دانشمندان» ابله و خرفت حکومتی که همه تلاش هایش برای اسلامی کردن جامعه ایران، برای تبدیل حجاب، سمبل اسارت زن به پوشش زنان شکست خورده، امروز از فراط استیصال دچار «هذیان گویی» شده اند که تنها و تنها به منظور کاهش فشار بر روی خودشان صورت میگیرد.

حکومتی که در مقابل جنبش سکولار و آزادیخواهانه مردم در ایران شکست ایدئولوژیک و سیاسی اساسی خورده است. قدرتی که ماشین سرکوبش در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم در ایران تمام فلج شده است! حکومتی که همه قدر قدرتی اش در مقابل جامعه ای که نمی خواهدش، تبدیل شده است به اعدامهای مخفیانه در زندانها، ربودن و در خفا و پنهانی دستگیر کردن و تعرض به زندانیان، تحمیل فقر و فلاکت به نیروی کارکن و حمله به بخش های ضعیف نگاه داشته شده جامعه، چون شهروندان با پیشینه افغانسانی، شده است. قدرتی که در مقابل شهروندان و بخصوص زنان و جوانان، کاملاً در بن بست کامل قرار گرفته است و تلاش میکند که راه فراری به جلو پیدا کند. این بیماران روانی حاکم در بالا، دیدند که اسید پاشی، تحقیر و ضرب و شتم به جایی نرسید! با «بغض در گلو» دیدند که چگونه ناچار شدند که بساط گشت ارشاد شان، که با اردنگی جنبش حق زن به زباله دان انداخته شد بود، را جمع کنند. امروز این پیکر ضربه خورده، نباید جرات کند که پرچم «درمان» زنان آزادیخواه و معترضی که برای حکومت تره هم خورد نمیکنند، را بلند کند و تلاش کند که بلکه به این وسیله خود و نظام ضد زن و ضد بشری اش را کمی بیشتر سر پا نگاه دارد!

این فراری به جلو است! مضحکه ای است که پا نگرفته ناچار هستند یا بساط آن را جمع کنند یا همان جنبشی که حاکمیت ضد زن را به اینجا کشانده است، آن را بر سرشان خراب خواهد کرد!

برای خراب کردن این کلینیک ها بر سرشان، آزاد کردن آهو دریایی و بیرون کشاندن او از زیر تیغ شکنجه های فیزیکی و روانی و آسیب های دارویی و ... اولین قدم است. باید این انگل های قرون وسطایی را سرچایشان نشانند. این قدمی در دفاع از دستاوردهای خیزش انقلابی مان است.

بیفتند. و این موضوع اصلی کار طبقه و کمونیسم در ایران است. در ایران کمونیسم خوشنام و معتبر است. طبقه کارگر عظیمی دارد صرفنظر از این که امروز چقدر قدرت دارد، تشکل مستقل ندارد، کمونیست هایش متحد نیستند، حزب کمونیست خودش را ندارد، در فقر و بی حقوقی محض گیر افتاده، حتی قرارداد ثابت کار ندارد، بیمه بیکاری ندارد و بسیاری مصیبت ها و مخاطرات ناشی از محیط ناامن کار و فقر خانواده های کارگری...

با وجود این ها از نظر من هنوز ایران بیشتر از هر کشوری در خاورمیانه و خاور دور، زمینه مساعدتری برای رشد کمونیسم و قدرت گیری کارگری دارد. باید برویم و این نیرو را برای تغییر بنیادی آماده کنیم.

اگر ما موفق بشویم الگویی میشود برای خاورمیانه. نمیتوانم ادعا کنم که فوراً چهره جهان را تغییر میدهد اما مطمئنم در ضرب اول چهره خاورمیانه را تغییر میدهد.

ما یعنی کمونیسم ما و طبقه کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی زن و مرد و جوان و روشنفکر ایران می تواند جمهوری اسلامی را محاصره کند. جنبش آزادیخواهی از شهریور ۱۴۰۱ یک تجربه ی بزرگ است. این جنبش چه کم داشت و چه کم دارد؟ خیلی روشن کمونیسم متحزب در درون طبقه و طبقه کارگر متحد و متشکل و رهبری کننده کم دارد. این کار اول و آخر ما است. دوم و سومی ندارد.

در خارج کشور جبهه چپ و کمونیسم را کمونیست ها باید تشکیل دهند، بسیج کنند و تقویت کنند. در مورد تحلیل و تفسیر اوضاع جهان و منطقه لشکری از مفسرین وجود دارند. اما سوال اساسی و مساله اصلی برای ما این است: در مورد انقلاب در ایران چه می گوئیم؟ متحدین طبقه کارگر کیا هستند؟ به آن ها چه میگوئیم؟ به جوان ها، زنان و آزادیخواهان واقعی... چه میگوئیم. روند اوضاع در ایران به کدام طرف میرود؟ ما در شکل گیری روند مورد نظر خود چه نقشی داریم و باید داشته باشیم و ده ها سوال دیگر.

جنبش های تا کنونی در ایران، دموکراتیک بوده و هستند. چه بلحاظ رفاه طلبی و چه آزادیخواهی. اما میدانیم و طبقه کارگر باید بداند که جنبش ها و انقلابات دموکراتیک، بدون رهبری پرولتاریا چیز زیادی عایدشان نمیشود.

تجارب انقلاب ۵۷ و بهار عربی همین را نشان دادند. ما باید برای یک نبرد طبقاتی در ایران با هژمونی کمونیستی آماده شویم. گفتم زمینه ی مساعدتر از ایران در منطقه نداریم.

در جبهه ی مقابل طبقه کارگر و کمونیسم در ایران علاوه بر جمهوری اسلامی، همه ی جریانات اولترا راست و چپ ملی و حتی مذهبی زبانیشان دراز است و میداننداری می کنند. میدیای گسترده دارند، تبلیغات و پروپاگانداشان گوش فلک را کر کرده است. این ها می توانند نیرو بگیرند. میتوانند جنبش های اجتماعی را عقیم کنند... ما باید نگذاریم این اتفاق بیفتد.

باز تکرار می کنم که راه تاثیر گذاری بر روندها و تحولات جهانی و منطقه ای آن اتفاق بزرگ است که باید در ایران بیفتد. یعنی طبقه کارگر متشکل در جنبش مجامع عمومی و شوراهای کارگری، متحزب شدن کارگران کمونیست و تامین و تضمین هژمونی و رهبری طبقه کارگر در جنبش های اجتماعی و سازماندهی انقلاب کارگری. این ها است وظایف اصلی و اولویتهای کمونیسم و طبقه کارگر در ایران!

چین و روسیه پشت جنگ های قبیله ای از لیبی تا سودان و چند کشور دیگر افریقایی ایستاده و از قبل جنگ داخلی منابع این کشورها را غارت می کنند. چین و روسیه و کره شمالی در مقابل ناتو و تلاش امریکا و غرب برای کشاندن اوکراین به ناتو، پیمان نانوشته نظامی دارند. امریکا و ناتو هم خاورمیانه را به میدان تاخت و تاز نظامی و فروش تسلیحات به کشورهای عربی تبدیل کرده است. اسرائیل زرادخانه ی عظیم نظامی امریکا و ناتو هم برای اشغال و هم نسل کشی و نابودی مردم فلسطین و پایگاه نظامی قدرتمند امریکا در خاورمیانه است. از طرف دیگر امریکا به بهانه ی خطر جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی و گروه های تبهکارش، کرور کرور تسلیحات نظامی پیشرفته به کشورهای عربی خاورمیانه بویژه عربستان فروخته است.

اتحادیه عرب هم از کشورهای عربی خاورمیانه و افریقا تشکیل شده است. در این اوضاع و احوال جمهوری اسلامی هم بیکار ننشسته و متحدین خود را در میان دول منطقه دارد و نیروهای نیابتیش اش را در چند کشور خاورمیانه بوجود آورده است.

صف بندی های مخرب اقتصادی و نظامی بورژوازی بین المللی و منطقه ای و بحران های ناشی از آن، مولد جنگ های خامانوسوز در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، فلسطین و ...، اساسا بر استخوان های خرد شده ی طبقه کارگر جهان ایجاد شده است. طبقه کارگر و زحمتکشان تحت سلطه ی بورژوازی جهانی هم گوشت دم توپ جنگ ها و هم نیروی کار ارزان و تولید کننده ی کالاهای بازار خرید و فروش بورژواها از نیازمندیهای جامعه ی بشری تا تولید سلاح و مهمات جنگی آن ها است.

در چنین شرایطی طبقه کارگر جهان فاقد یک اتحاد بین المللی کارگری و کمونیستی است. جهان امروز بیشتر از هر وقت به چنین اتحادی در مقابل اتحادها و ائتلاف ها و پیمان های اقتصادی و نظامی بورژوازی جهانی نیاز دارد. اما بطور واقعی، این خلا راه حل کوتاه مدت ندارد. چرا که طبقه کارگر بدوا در هر کشور سرمایه داری، خود فاقد اتحاد سراسری کشوری است.

در امریکا جنبش کارگری متحد و رادیکالی ابراز وجود نکرده است. در نسل کشی غزه که امریکا یک پای اصلی آن است، طبقه کارگر امریکا قادر به مهار کردن و افسار زدن دولت خود بعنوان حامی اصلی نسل کشی مردم غزه نبوده است. این دوره را مقایسه کنیم با جنگ ویتنام و جنبش ضد جنگ رادیکال در امریکا که در پشتیبان کردن دولت وقت امریکا و ماشین جنگی اش تاثیر مهمی داشت. طبقه کارگر اروپا در آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ...، نظاره گر و درحاشیه نسل کشی غزه است. در شرایط امروز که جمهوری اسلامی یک پایش در بریکس و پای دیگر در منطقه خاورمیانه و دولت های متحدش چون دولت عراق و سوریه و نیروهای نیابتی اش قرار دارد، طبقه کارگر و زحمتکشان و جوانان و زنان در ایران بیشترین توان این اتحاد شوم اسلام سیاسی را پرداخته و می پردازد.

این که در آینده در امریکا یا کدام کشور اروپایی یا آسیا تغییراتی جدی و اساسی ایجاد و یا انقلاب میشود را من هنوز نمیدانم. باید دید.

تا آنجا که به این روندها مربوط است، ما نظاره گر نیستیم و حقایق را همانطور که هست را باید گفت. دخالت های سیاسی و نظری کمونیسم ما باید بدون اغراق و بدون امیدواری کاذب باشد. اما حرف من و پاسخ من به سوال اصلی اولویت طبقه کارگر و کمونیسمش در ایران چیست؟ این است که برای تاثیر گذاری بر روندهای منطقه ای و جهانی باید اتفاقی بیفتد. در ایران اتفاقی

علیه حکم اعدام وریشه مرادی

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

بر اساس اخبار خبرگزاری ها حکم اعدام وریشه مرادی زندانی سیاسی، توسط «دادگاه انقلاب» تهران به ریاست «قاضی» صلواتی صادر شد. دادگاه مذکور حکم جنایتکارانه فوق را به اتهام «بغی» صادر کرده و آنرا روز یکشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۳ - ۱۰ نوامبر ۲۰۲۴ به وکلای وریشه که حتی اجازه حضور در دادگاه وی را نداشتند، ابلاغ کرده است.

لازم به ذکر است وریشه مرادی از تاریخ دهم مرداد ماه ۱۴۰۲ در سنجند بازداشت و بعد از چند ماه شکنجه و بازجویی توسط وزارت اطلاعات به بند ۲۰۹ زنان در زندان اوین منتقل شده است. بر اساس اخبار خبرگزاری ها و نهادهای حقوق بشری، وریشه نه تنها حق دفاع از خود در دادگاه نداشته که بعلاوه وکلای او نیز از چنین حق ابتدایی محروم شده اند. اعلام حکم اعدام وریشه مرادی موجی از اعتراض زندانیان سیاسی را در زندان اوین باعث شد.

صادر کردن احکام اعدام به جرم فعالیت سیاسی، اعدام فعالین سیاسی و مخالفین جمهوری اسلامی طی دو سال اخیر و خصوصا در فضای ملیتاریسی منطقه و در شرایطی که فضای جنگی و کشمکش و تهدیدهای نظامی میان اسرائیل و جمهوری اسلامی اوج گرفته است، بالا رفته است. در اینکه تلاش جمهوری اسلامی برای بیشترین استفاده از این فضا، بیشترین استفاده از خطر جنگ و تبلیغات جنگی و عربده کشی های اسرائیل علیه ایران و تبلیغات جمهوری اسلامی در این خصوص، با هدف عقب راندن اعتراضات مردم آزادیخواه انجام میگیرد، تردیدی نیست. طی دو سال گذشته صدها نفر با پرونده سازی های مختلف در زندان های جمهوری اسلامی اعدام شده اند و تعداد بیشتری از زندانیان حکم اعدام گرفته اند و در میان ترس و وحشت، در امید و ناامیدی شب و روز را در سیاهچال های جمهوری اسلامی سپری میکنند.

استفاده جمهوری اسلامی از احکام اعدام و تلاش در دامن زدن به فضای رعب و سرکوب برای مقابله با ما مردمی که به بی حقوقی و فقر و بیکاری و زندان و زن ستیزی اعتراض میکنیم و از حرمت و کرامت انسانی خود دفاع میکنیم، مردمی که خواهان زندگی انسانی، مرفه و آزاد و خوهان برچیدن نظام ضد زن، ضد کارگری و ضد رفاه و آزادی در ایران هستیم، مدتها است کارایی خود را برای عقب راندن و به استیصال کشاندن مردم از دست داده است. هر حکم اعدامی از طرف دستگاه سرکوب، موجی از اعتراض علیه حکم اعدام، علیه سرکوب و علیه جمهوری اسلامی را دامن زده است.

جنبش علیه اعدام در ایران باید همصدا با زندانیان سیاسی در بند زنان زندان اوین علیه حکم اعدام وریشه و علیه نفیس مجازات اعدام قدرتمند تر از قبل به میدان بیاید. نباید این توحش را قبول کرد و نباید اجازه داد زیر عنوان "جنگ با اسرائیل" و فضای ملیتاریستی، تعرض به زندانیان سیاسی را گسترش دهند. لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و پرونده سازی علیه فعالین سیاسی باید در کنار مطالبات بر حق ما در همه عرصه ها فریاد زده شود. باید با قدرت خود حاکمیت را وادار کرد دست از سرکوب، اعدام و جنایت بردارد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ آبان ۱۴۰۳ - ۱۱ نوامبر ۲۰۲۴

در حمایت از اعتصابات کارگران بنادر کانادا

بیش از یک هفته است که اعتصاب کارگران بنادر «بریتیش کلمبیا» و اداره پست در کانادا به رهبری اتحادیه ILWU بر علیه ریاست اقتصادی و برای دفاع از معیشت و رفاه، زمین را زیر پای دولت و کارفرمایان سرمایه در این کشور به لرزه درآورده اند و چرخ سرمایه و سود را قفل کرده اند.

کارگران خواهان افزایش ۲۰ درصدی سطح حقوق، پرداخت کامل ۱۸.۵ از حقوق بازنشستگی، افزایش کمک هزینه ها و دریافت سهام در زمان بازنشستگی شده اند. این اعتصابات همزمان با اعتصاب مداوم در بندر مونتreal - بزرگترین بندر در شرق کانادا - است که ۴۰ درصد از ترافیک کانتینری را سبب شده است. کالاهای مهم بین المللی در این بنادر روی هم انباشته شده و از حرکت بازمانده اند و شوک اقتصادی جدی به بورژوازی وارد کرده اند. بنادر ساحل غربی یک گلوگاه مهم اقتصادی است که حدود ۵۷۶ میلیون دلار تجارت روزانه در آن صورت میگیرد و نقشی حیاتی در شبکه بنادر، راه آهن و حمل و نقل آمریکای شمالی ایفا می کنند. با این حال، ادامه اعتصابات اخیر باعث ایجاد اختلال در این غول سرمایه میشود و اثرات سخته در کل زنجیره مالی و اقتصادی جهان را برجا میگذارد.

شایان ذکر است که حدود یک میلیارد دلار کالا هر روز از بنادر کانادا، فقط در ونکوور و در هماهنگی با اداره پست این کشور جابجا میشوند و هر گونه تعطیلی بندر بر کالاها در هر بخش صنعت تأثیر میگذارد. اعتصابات اخیر تاکنون چند میلیارد دلار خسارت را در طول یک هفته به دولت و کارفرمایان در کانادا وارد کرده است. اتحادیه های کارگری و کارمندی در حوزه حمل و نقل، پست و بنادر همه بر این موضوع تأکید می کنند که چند سال است که اعتصابات، فشار بر دولت و کارفرمایان، انتخابات، مذاکرات و اقدامات دیگر به نتیجه نرسیده و دیگر برای ادامه زندگی بهتر راهی جز اعتصاب برایشان نمانده است.

این بنادر در غرب کانادا (بریتیش کلمبیا) شامل ۳۰ پایانه و ۷۴۰۰ کارکن و ۷۰۰ کارگر در بندر مونتreal میشود. هیئت روابط صنعتی کاندا حکم داده است که «اتحادیه کارگران از آنچه در قانون درباره اعتصاب ذکر شده است تخطی کرده و این اعتصابات غیر قانونی اند.» اما کارگران بدون توجه به غیر قانونی خواندن اعتصاب از طرف این هیئت همچنان متحدانه در اعتصاب بسر می برند و تا رسیدن به خواسته های خود مصمم هستند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد کانادا، حمایت کامل خود را از اعتصاب کارگران بنادر کانادا اعلام میدارد و به سازماندهندگان و رهبران عملی این اعتصاب درود میفرستد. طبقه کارگر بعنوان یک طبقه جهانی در هر نقطه ای از این جهان فارغ از ملیت، رنگ و جنسیت هم سرنوشت است و پیشروی هر بخشی از جنبش کارگری در بدست آوردن حقوق و مطالبات اقتصادی و معیشتی خود تأثیر مستقیم بر مبارزات سایر بخش های طبقه کارگر علیه بورژوازی خواهد گذاشت و به قدرتمند شدن و اتحاد کل طبقه در سطح جهانی کمک خواهد کرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) - واحد کانادا

۱۰ نوامبر ۲۰۲۴

مسابقه فوتبال برای دولت دست راستی اسرائیل فرصتی شد، تا با اعتماد به جایگاه «ممتاز» و «انحصاری» جنبش نژادپرستانه یهودی در غرب، جنبشی که از فاجعه کوره های آدم سوزی هیتلر برای خود سرمایه، مشروعیت و مجوز «نژاد پرستی» علنی و قانونی ساخته بود، به جدال بشریت متمدن در جوامع غربی پا بگذارد.

اعزام صدها نفر اسرائیلی متعصب به عنوان حامیان تیم و انجام تحریکات و تشنجات نژاد پرستانه، تعرضات فیزیکی، اقدامات خشن و ضد انسانی علیه مدافعان مردم فلسطین و برای ایجاد جو روعب و وحشت در خیابانهای آمستردام، نه خود به خودی بود و نه تصادفی!

از چند روز قبل از ۷ نوامبر که زمان مسابقه فوتبال تیم اسرائیل بود، ورود جمعیت قابل توجهی از اسرائیل به آمستردام با اقدامات حساب شده و نقشه مند و تحریکات فراوان، فضای این شهر و کل هلند ملتهب شد. ششم نوامبر تعداد زیادی از آنان به خیابانها آمده، عربده کشان پرچم های فلسطین آویخته بر سر در منازل مردم را به زیر کشیدند و پاره کردند! در میداين شهر تجمع کردند، با شعارهای نژاد پرستانه و ضد فلسطینی و ضد عرب، نفرت عمومی مردم متمدن نه تنها در آمستردام که در جهان را بر انگيختند.

روز ۷ نوامبر و زمان مسابقه تیم اسرائیل در استادیوم «یوهان کرایوف» که يك دقیقه سکوت به احترام قربانیان سیل در اسپانیا اعلام میشود، هوادارن تیم اسرائیل با عربده کشی و مسخره کردن، باعث برانگیختن نفرت عمومی تماشاچیان از خود میشوند.

رسانه ها این رفتار، این بی احترامی و سردادن شعار علیه فلسطینیان و عرب ها زبانها در «يك دقیقه سکوت به احترام قربانیان سیل در اسپانیا» را ناشی از دشمنی «هوادارن فوتبال اسرائیل» با دولت اسپانیا، به خاطر مخالفت آن با نسل کشی ارتش اسرائیل در غزه، اعلام کردند!

پس از مسابقه، هوادارن تیم اسرائیل در ادامه اقدامات شنیع و کثیف خود برای چندمین بار به خیابانهای آمستردام میریزند و در دسته جات مختلف به تحریک و عربده کشی و شعارهای تحریک آمیز ضد فلسطینی و علیه مردم عرب زبان میپردازند و در مواردی به تعدادی از مردم در شهر حمله میکنند.

آنها با شادی و لهله و اعلام وقیحانه اینکه «بگذارید ارتش اسرائیل کار فلسطینی ها را تمام کند»، «در غزه مدرسه ای نمونده است، زیرا کودکانی نمونده است که به مدرسه بروند»، در خیابانها رژه میروند. با سردادن شعار ضد مردم عرب زبان و با تحریکات و سوزاندن پرچمهای فلسطین، پرتاب سنگ به پنجره هر خانه و ساختمانی که پرچم فلسطین نصب کرده بودند، سیمای واقعی «تمدن اسرائیلی» فاشیستی خود را به نمایش گذاشتند. پلیس آمستردام در تمام این اتفاقات بدون اقدامی جهت ممانعت از آنها، نظاره گر این اوضاع بوده است.

این اقدامای با واکنش مردم متمدن که در عرض چند روز شاهد تحریکات قومی، مذهبی و نژاد پرستانه و تعرضات فیزیکی آنها بوده اند، مردمی که شاهد سکوت کامل پلیس شهر و مقامات دولتی در مقابل مشتکی تبهکار تحریک شده و لمپن و... بوده اند، علیه آنها به مقابله بر میخیزند، در مقابل آنها می ایستند و در چند نقطه کار به مقابله فیزیکی کشیده میشود. گفته میشود که تعدادی از آنها از دست مردم کتک میخورند. پلیس این بار همه جانبه علیه مردم معترض وارد میدان میشوند و دهها نفر از آنها را دستگیر میکنند.

همزمان رسانه های رسمی و مقامات دولتی از شهردار آمستردام تا روسای دولت هلند، روسای دول اروپایی، جو بایدن و... در حمایت از نژاد پرستان اسرائیلی در آمستردام، با جعل حقایق و پخش دروغ و وارونه نشان دادن اتفاقات، به نام تحریکات ضد اسرائیلی، آنتی سمیتیک و فضای ضد یهودی، دست به تبلیغات وسیع و تهدید مدافعان مردم فلسطین زدند. پلیس هلند، که در گزارشات خود به روشنی تحریکات نژادپرستان یهودی را منعکس کرده بود، دهها تن از مدافعین فلسطینیان را دستگیر میکنند و به دستور دولت هرنوع تظاهراتی را به مدت سه روز ممنوع اعلام میکند.

دولت اسرائیل که جهانی شاهد فاشیسم و عنان گسیختگی «نیروهای آتش به اختیارش» در میدان مسابقه فوتبال و در خیابانهای آمستردام بودند، بی اعتبار تر، منزوی تر و طرد شده تر از منظر جهانیان، برای برگرداندن نیروی اعزام شده به هلند فوراً دو هواپیما به آمستردام می فرستد تا «جنیب زدگان» نژاد پرست ش را به خانه برگرداند

روز ۷ نوامبر، یک بار دیگر، یکی از معضلات اساسی جوامع غربی، معضل ساکت نگاه داشتن شهروندان در مقابل تاریخی از ریاکاری دولت های شان، در مقابل اقیانوسی از سیاست ها و اقدامات نژادپرستانه و ضدبشری آنها، در آمستردام بر سر مقامات دست راستی این کشور، خراب شد! این رویداد بعلاوه بر موقعیت «تاریخی» ممتاز و ویژه جنبش نژادپرستانه یهودی در جوامع غربی، ضربات سختی وارد کرد!

از این پس اروپا، با تاریخی از جنبش های ضدفاشیستی و سوسیالیستی، به تشریف فرمایی هیچ شخصیت، نهاد «نژادپرست یهودی»، چه در تشریفات سیاسی، چه مسابقات ورزشی یا هنری و فرهنگی، همچون گذشته خیرمقدم نخواهد گفت! دوران آن گذشته «طلایی» برای جنبش نژادپرست یهودی و سواستفاده تاریخی آن از فاجعه کوره های آدم سوزی هیتلر، بسر آمده است! تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)، خود را بخشی از بشریت متمدن و جنبشی میداند که در خارج از کشور میدان را بر هر نوع فاشیسم، راسیسم، ارتجاع و نژادپرستی تنگ میکند! ما در کنار مردم آزادیخوا و صلح طلب هلند، در کنار صدها میلیون انسان آزادیخواه در سراسر جهان، نه تنها نسل کشی دولت اسرائیل در فلسطین و منطقه را محکوم میکنیم، که سیاستهای و اقدامات و حمایتهای دول غربی در دفاع از دستگاه کشتار اسرائیل را محکوم و به آن نه میگوییم.

زننده باد آزادی و برابری
زننده با انسانیت

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۱ نوامبر ۲۰۲۴

کارگران کمونیست!

**حزب ما، سنگر اتحاد و
تشکل حزبی شما است.
حزب را از آن خود کنید!**

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

➔ @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان های سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



صدای آزادی، صدای برابری

نینا

